



Prioritizing the Needs of Women in Urban Public Spaces

Hamideh Dabbaghi¹ | Mozhdeh Bahari²

1. Corresponding Author, Department of Women's Studies, Faculty of Social Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: h.dabaghi@atu.ac.ir

2. Department of Urban Planning, Faculty of Social Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: mozhdehbahari950@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 03 February 2024

Received in revised form:

03 June 2024

Accepted: 15 June 2024

Published online:

15 September 2024

Keywords:

AHP Method, Gendered Public Space, Urban Design, Urban Public Space, Women.

ABSTRACT

This article emphasizes the importance of urban public spaces for women. It attempts to identify and prioritize the most important priorities and requirements of women in urban public spaces. Then, urban public spaces and gendered public spaces are compared to determine whether they are reflective of the requirements of women.

This article employs a hybrid methodological approach. In the initial phase, a systematic review of 21 articles was conducted to identify the requirements of women in urban public spaces and significant indicators from a qualitative perspective. The findings were subsequently synthesized using basic coding. In the second phase, the most important categories were extracted after the basic coding of the articles' conclusions. A questionnaire was developed and administered to two groups of women (30 individuals) in two urban public spaces with comparable functions (a cultural center and a Shahrabano). The questionnaire was presented and prioritized according to the respondents' assessments of women's needs, as determined by AHP hierarchical analysis.

The most critical needs of women in public spaces can be categorized into three main social categories (lack of women's security, lack of appropriate laws, institutionalized gender inequality, women's needs neglected in urban design), physical dimension (inefficient physical infrastructure, infrastructure criminalized urban activities, and gender differences in the perception of space) and defined the psychological dimension (urban design and identity redefinition, urban design and encouraging a sense of life, and women's frustration with urban planning). Then, female users developed and evaluated a questionnaire regarding urban public spaces by incorporating the economic dimension and indicators such as cost, quality, and variety of services.

The following indicators are associated with the three essential priorities of women's requirements in two urban public spaces: the security and peace of women in the complex (rank 1), the cost of services (rank 2), and the lighting and the manner of encountering and behavior of employees in the complex (rank 3). The three indicators that were of the least importance to the female respondents were the absence of a sense of harassment as a result of the presence of men (rank 12), the existence of a unique space for women without the presence of men (rank 11), the existence of a space to interact with friends, and the existence of a space for the care of children (rank 10). The creation of gender-specific spaces for women is not justified by the Security and Peace Index's first rank. The definition of women's and security can be both physical and infrastructural. For example, the third rank in the prioritization of indicators is assigned to the luminosity of the space and the induction of a sense of security, as demonstrated in the present article.

Cite this article: Dabbaghi, H., & Bahari, M. (2024). Prioritizing the Needs of Women in Urban Public Spaces. *Community Development (Rural and Urban)*, 16 (1): 43-58. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.374635.668850>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.374635.668850>

اولویت‌بندی نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری

حمیده دباغی^۱ | مژده بهاری^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: h.dabaghi@atu.ac.ir

۲. گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [mzhdehbahari950@gmail.com](mailto:mozhdehbahari950@gmail.com)

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

در این مقاله با تأکید بر اهمیت فضاهای عمومی شهری برای زنان، مهم‌ترین اولویت‌ها و نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری شناسایی و اولویت‌بندی می‌شود. سپس فضاهای عمومی شهری و فضاهای عمومی جنسیتی‌شده از حیث اینکه آیا انعکاسی از نیازهای زنان هستند یا خیر، با هم مقایسه می‌شود.

رویکرد روش‌شناسی در این مقاله ترکیبی است. در فاز اول به‌منظور شناسایی نیازهای زنان از فضاهای عمومی شهری و شاخص‌های مهم و قابل‌توجه از رویکرد کیفی، مرور سیستماتیک ۲۱ مقاله و سپس فراترکیب یافته‌های آن‌ها با به‌کارگیری کدگذاری پایه استفاده شد. در فاز دوم، پس از کدگذاری پایه یافته‌های مقالات، مهم‌ترین مقوله‌ها استخراج شدند. با محوریت برخی از شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی و به دو گروه از زنان (۳۰ نفر) در دو فضای عمومی شهری با کارکرد مشابه (یک فرهنگسرا و یک شهربانو) ارائه شد و براساس نظرات پاسخگویان، نیازهای زنان با کاربرد تحلیل سلسله‌مراتبی AHP اولویت‌بندی شدند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۲۵

مهم‌ترین نیازهای زنان در فضاهای عمومی را می‌توان در سه مقوله اصلی اجتماعی (نامنی زنان، نبود قوانین مناسب، نابرابری جنسیتی نهادینه‌شده، نیازهای زنانه مغفول مانده در طراحی شهری)، بعد کالبدی (زیرساخت‌های فیزیکی ناکارآمد، زیرساخت‌های شهری جرم‌زا و تفاوت‌های جنسیتی در ادراک از فضا) و بعد روان‌شناختی (طراحی شهری و بازتعریف هویتی، طراحی شهری و ترغیب حس زندگی، و ناامیدی زنان از برنامه‌ریزی شهری) تعریف کرد. سپس با افزودن بعد اقتصادی و شاخص‌هایی مانند هزینه، کیفیت و تنوع خدمات، پرسشنامه‌ای تهیه شد و توسط زنان کاربر در دو فضای عمومی شهری رتبه‌بندی شد.

سه اولویت مهم نیازهای زنان در دو فضای عمومی شهری به شاخص‌های امنیت و آرامش زنان در مجموعه (رتبه ۱)، هزینه خدمات (رتبه ۲) و روشنایی و نحوه مواجهه و رفتار کارکنان در مجموعه (رتبه ۳) مربوط است و سه شاخص که کمترین اهمیت را برای زنان پاسخگو داشتند، نبود احساس معذب‌بودن به‌واسطه حضور مردان (رتبه ۱۲)، وجود فضای خاص برای زنان بدون حضور مردان (رتبه ۱۱)، وجود فضایی برای تعامل با دوستان و وجود فضایی برای نگهداری از فرزندان (رتبه ۱۰) هستند. رتبه اول برای شاخص امنیت و آرامش را نمی‌توان منطقی برای ایجاد فضاهای جنسیتی و مختص زنان دانست. آرامش و امنیت زنان می‌تواند معنای فیزیکی و زیرساختی داشته باشد؛ برای مثال روشن‌بودن فضا و القای حس امنیت که در مقاله حاضر نیز در اولویت‌بندی شاخص‌ها رتبه ۳ را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها:

روش AHP زنان، طراحی شهری، فضای عمومی جنسیتی، فضای عمومی شهری

استناد: دباغی، حمیده و بهاری، مژده (۱۴۰۳). اولویت‌بندی نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۶(۱): ۴۳-۵۸.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2024.374635.668850>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.374635.668850>

۱. مقدمه و بیان مسئله

طراحی فضاهای عمومی در شهرها یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری است و می‌تواند بر شکل‌گیری زندگی شهری و ارتباط افراد با محیط زندگی‌شان اثر بگذارد. فضاهای عمومی شهری، نه فقط مکان‌هایی برای گذران فراغت و تفریح، بلکه بستری برای تعاملات اجتماعی و پل ارتباطی میان افراد و جامعه، فرهنگ و سیاست است. این مفهوم تا آنجا حائز اهمیت بوده که لوفور^۱ (۱۹۹۱)، آن را یک «محصول اجتماعی» یا «ساخت پیچیده اجتماعی» می‌داند که بر اعمال و ادراکات فضایی اثر می‌گذارد (تونسر^۲، ۲۰۱۴: ۳، ۶). فضا به‌عنوان یک سازه اجتماعی با رفتارها و عملکردهای اجتماعی و فضایی تشکیل و تعریف می‌شود و جنبه‌های مختلف روابط اجتماعی مانند طبقه، جنسیت، نژاد و قومیت را نیز منعکس می‌کند؛ بنابراین رابطه روشنی بین جنسیت و فضا وجود دارد؛ درحالی‌که روابط جنسیتی نقش مهمی در شکل‌گیری و سازمان‌دهی فضاها و مکان‌ها ایفا می‌کند. درک فرهنگی از تقسیم‌بندی‌های جنسیتی در فضا و زمان متفاوت است. مفهوم ذات‌گرایانه فضا به‌عنوان ظرفی که در آن فعالیت‌ها انجام می‌شود، به نفع این ایده که الگوهای فضایی، نتیجه فرایندهای اجتماعی هستند، کنار گذاشته می‌شود؛ یعنی فضا رابطه‌ای و سازنده است و بر فرایندهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به‌زعم ماسی (۱۹۹۲) «روابط متقابل بین اشیا در فضا و زمان اتفاق می‌افتد. این روابط هستند که فضا و زمان را ایجاد و تعریف می‌کنند»؛ درحالی‌که فضا مفهومی رابطه‌ای است و در ارتباط با مکان و قلمرو توصیف می‌شود (ماسی^۳، ۱۹۹۲: ۷۹).

در پیوند میان جنسیت و فضای شهری باید گفت جنسیت به‌عنوان یک مکانیسم تنظیم‌کننده در روابط اجتماعی زنان و مردان و همچنین نحوه قرارگیری آن‌ها در زندگی اجتماعی تعریف می‌شود. هیلد لیندمان (۲۰۱۰) به‌درستی ادعا می‌کند که «جنسیت یک هنجار است، نه یک واقعیت»؛ مجموعه‌ای از قوانین و مقررات برای اینکه زنان و مردان چگونه باید باشند، چگونه باید رفتار کنند و در جامعه ظاهر شوند. این مؤلفه، نقشی اساسی در مفهوم‌سازی جنسیت و درک رابطه زنان با فضای عمومی دارد (لیندمن^۴، ۲۰۱۰: ۱۲۸). جنسیت محل مناسبات قدرت رقابتی است. به‌عنوان یک هنجار مؤثر، بین زن و مرد تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند که به روابط اجتماعی نابرابر و تبعیت زنان منجر می‌شود. به این معنا که جنسیت یک رابطه قدرتی است که در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی نفوذ می‌کند. همان‌طور که لیندمن توضیح می‌دهد، «جنسیت نوعی الگوی اجتماعی است که در فرهنگ‌ها و تاریخ گسترده می‌شود و قدرت را به‌طور نامتقارن توزیع می‌کند تا مردان بر زنان ترجیح دهد». در ادبیات کنونی مطالعات شهری، دو راه اصلی برای درک فضای عمومی و سهم آن در زندگی شهری وجود دارد: در رویکرد اول فرض بر این است که فضای عمومی معنا و ارزش خود را از دست داده یا تحت کنترل و نظارت فزاینده قرار گرفته یا خصوصی و نیمه‌خصوصی شده است. درحالی‌که رویکرد مخالفی نیز وجود دارد که بر اهمیت حفظ فضای عمومی به‌عنوان مکانی برای نمایان شدن، شناسایی و ایجاد مطالبات و نیازها تأکید می‌کند و فضای عمومی را به‌عنوان مکانی حیاتی در شکل‌دهی افکار عمومی و شکل‌گیری مطالبات و نیازها می‌داند (تونسر، ۲۰۱۴: ۳، ۶). فضاهای عمومی شهری به انواع مکان‌های عمومی شهر که افراد می‌توانند در زندگی روزمره از آن‌ها استفاده کنند، مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس و مواردی از این دست اطلاق می‌شود. این تعریف محدود به فضاهای عمومی باز شهری نیست و شامل فضاهای عمومی داخلی است که برای گذران اوقات فراغت، سرگرمی و خرید هم استفاده می‌شود، مانند رستوران‌ها، کافه‌ها، سوپرمارکت‌ها، مراکز خرید، سینماها، تئاترها و سالن‌های کنسرت و همچنین مکان‌های خدمات و امکانات عمومی مانند بیمارستان‌ها،

^۱. Henri Lefebvre

^۲. Tuncer

^۳. Massey

^۴. Lindemann

مدارس، دفاتر پست و بانک‌ها (تونسر، ۲۰۱۴: ۳، ۶). فضاهای عمومی شهری را می‌توان محصول نیروهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دانست که نقش مهمی در حیات اجتماعی و فرهنگی شهروندان دارد. در این فضاها، شهروندان آزادانه حضور یافته و در عین رعایت هنجارهای اجتماعی، به تعاملات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و عاطفی می‌پردازند. فضاهای عمومی فرصتی برای برقراری ارتباطات چهره‌به‌چهره و ایجاد روابط اجتماعی فراهم می‌کنند (قادری و همکاران، ۱۴۰۰).

در این چارچوب، فضای عمومی دارای کارکرد و معنای مفروض می‌شود و محققان برجسته‌ای مانند لوفور^۱ (۱۹۷۴) و جیکوبز^۲ (۱۹۶۱)، به مفهوم زندگی روزمره توجه ویژه‌ای داشتند و آن را رابط بین قلمرو عمومی و فضای شهری می‌دانستند که می‌تواند خارج از کنترل دولت باشد و تغییراتی را در زمینه‌های مختلف جامعه ایجاد و اعمال کند (جیکوبز، ۱۹۶۱: ۵۵). با توجه به این چارچوب، واضح است که استفاده از فضای عمومی شهری در تعامل زنان با شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. الگوهای فضایی و رفتارهای زنان در زندگی روزمره شهری برای درک چگونگی و شیوه‌های مشارکت و تجربه زنان در شهر بسیار اهمیت دارد. در واقع فضاهای عمومی شهری می‌توانند هم عرصه ظهور مشارکت زنان باشند و هم می‌توانند به حضور زنان و میزان آن در فضاهای عمومی به‌واسطه چیدمان و کارکردهایی که ارائه می‌دهند، شکل و جهت دهند.

مروری بر تاریخ شکل‌گیری و طراحی شهرهای قدیمی نشان می‌دهد به‌طور کلی نیازهای مردم محلی، فرهنگ و مذهب، علاوه بر عوامل جغرافیایی بر طراحی شهرها، مؤثر بوده و توجه و پاسخ به نیازهای گروه‌های مختلف به‌ویژه زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های کاربر فضاهای عمومی شهری، در طول تاریخ، بخشی از فرایند طراحی شهری بوده است. به همین نسبت نیز می‌توان انعکاسی از ارزش‌های گروه‌های مختلف و پاسخگویی به نیازهای آن‌ها در فضاهای بیرونی، ساختمان‌ها و سایر عناصر شهری مشاهده کرد. این روند که به‌وسیله آن شهرها شکل گرفته‌اند، تا قرن نوزدهم ادامه یافته و اقداماتی چون جدایی بین خیابان‌ها و میدان‌ها و فضاهای عمومی یا استفاده از فضاهای عمومی چون حمام‌ها و اعمال برنامه زمانی برای کاربران از فضاهای عمومی را می‌توان در همین راستا دانست (تونسر، ۲۰۱۴: ۳، ۶).

زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های جمعیتی در ایران، همواره نیازهایشان در فضاهای عمومی متأثر از ویژگی‌های جنسیتی و ناظر بر تنظیم روابط میان زنان و مردان و حفظ حریم میان آن‌ها، ویژگی جوامع اسلامی بوده است. هرچند شکل‌گیری فضاهای عمومی شهری خاص برای زنان که حکایت از مفهوم جداسازی جنسیتی دارد، ایده‌ای جدید و مختص ایران نیست و در کشورهای دیگر مانند عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام می‌شود. اما تفاوتی در کاربری فضاهای عمومی تفکیک‌شده جنسیتی در دهه‌های اخیر وجود دارد. در گذشته جداسازی جنسیتی در فضاهای عمومی شهری به جهت رفع نیازهایی مانند استحمام و آرایش و پیرایش انجام می‌شد، اما در دو دهه اخیر و به‌منظور تضمین حریم خصوصی برای زنان در شهر تهران، مجموعه‌های چندمنظوره فرهنگی، اجتماعی و ورزشی با عنوان شهربانو احداث شده که ناظر بر رفع نیازهای فراغتی، فرهنگی و اجتماعی زنان است؛ نیازهایی که در فضاهای عمومی بدون تفکیک جنسیتی نیز قابل پاسخگویی است. همچنین هر سال، بودجه قابل توجهی صرف طراحی، ساخت و نگهداری از مجموعه‌های تفکیک‌شده جنسیتی، شهربانوها، برای زنان می‌شود؛ بنابراین یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی و طراحی شهری پاسخ به این سؤال است: آیا احداث فضاهای عمومی ناظر بر نیازهای گروه زنان (در اینجا شهربانوها) می‌تواند در خدمات ارائه‌شده و پاسخگویی به نیازهای آن گروه، مؤثر و راهگشا باشد؟ آیا احداث فضاهای عمومی تفکیک‌شده جنسیتی برای زنان، ناظر بر اولویت‌بندی نیازهای آن‌هاست؟

1. Lefebvre

2. Jacobs

۲. پیشینه تحقیق

مروری بر تحقیقات پیشین را که در جدول ۱ آمده می‌توان در چند محور اصلی تحقیقاتی دسته‌بندی کرد: دسته اول از تحقیقات به سنجش حضور و کیفیت حضور و مشارکت و استفاده زنان در فضاهای عمومی اختصاص دارد. دسته دوم به تحقیقات درباره حق به شهر و زنان مربوط است. دسته سوم به وضعیت امنیت زنان در فضاهای شهری پرداخته و دسته پایانی به مطالعات پیرامون فضاهای عمومی با کاربری تک جنسیتی یا به بیان دیگر، اعمال جداسازی/تفکیک جنسیتی در فضای عمومی اشاره دارد که موضوع مقاله حاضر نیز هست.

جدول ۱. خلاصه‌ای از تحقیقات پیشین

| عنوان تحقیق | محقق | سال | یافته‌ها |
|---|-----------------------------------|------|--|
| تحلیل نقش حق زنان به شهر برمبنای جدایی‌گزینی جنسیتی (مورد مطالعه: پارک بانوان شهر اردبیل) | جامی اودولو و همکاران | ۱۴۰۲ | هدف مقاله شناسایی الگوی حضور در فضای زنانه بر حق به شهر با رویکرد جدایی‌گزینی جنسیتی است. پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است جامعه آماری تحقیق را ۳۸۴ نفر از زنان شهر اردبیل تشکیل می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای زنانه از سوی زنان در سطحی نامطلوب ارزیابی شده و در کل میزان جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای زنانه از مجموع شاخص‌های مورد بررسی کمتر از میانه (میانه نظری = ۳) است. |
| ارزیابی کیفیت خدمات و اوقات فراغت پارک بانوان (مطالعه موردی: پارک بانوان شهر اردبیل) | وحدت جناقرد و اخوان راد و حسامیان | ۱۴۰۱ | محققان در این پژوهش به ارزیابی کیفیت خدمات و اوقات فراغت پارک بانوان شهر اردبیل پرداخته‌اند. نتیجه این پژوهش نشان داد کیفیت خدمات و مؤلفه‌های آن از وضعیت مناسبی برخوردار است. همچنین بین مؤلفه‌های کیفیت خدمات اولویت معنادار وجود دارد. اوقات فراغت و مؤلفه‌های آن نیز از وضعیت مناسبی برخوردار است و مؤلفه‌های اوقات فراغت هم اولویت معناداری دارد. |
| بررسی مفهومی فضای پارک بانوان با رویکرد روان‌شناسی محیطی | محمودی و الیاسی | ۱۳۹۹ | در این تحقیق محققان با مطالعه دانش روان‌شناسی محیطی، به ارزیابی نقش پارک‌های بانوان پرداخته‌اند و با شرح رابطه انسان و محیط پیرامون، به بررسی آسایش بانوان بپردازد و با ایجاد پارک بانوان، با هدف الگویی در جهت بالا بردن کیفیت زندگی بانوان به ارتقای سلامت افراد و راهگشایی برای معضلات شهری قرار گیرد. |
| طراحی فضاهای شهری با ارزیابی نگرش جنسیتی (مطالعه موردی: پارک بانوان نرگس ارومیه) | سلیمانی و همکاران | ۱۳۹۸ | محققان در این تحقیق به ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری با تأکید بر پاک‌های بانوان نرگس ارومیه پرداختند. براساس یافته‌ها تنها زنان خانه‌دار و مذهبی تمایل به استفاده از پارک‌های زنانه دارند؛ و دسته سوم زنان یعنی زنان شاغل جامعه و دسته چهارم یعنی زنانی با نگرش‌ها و گرایش‌های فمینیستی رغبتی برای استفاده از این‌گونه پارک‌ها ندارند. چنین وضعیتی درمورد میزان احساس امنیت و آرامش زنان در پارک بانوان نیز صدق می‌کند. این تحقیق پارک بانوان در کوتاه‌مدت و با توجه به محدودیت‌های عرفی، برای استفاده آزادانه زنان از فضاهای عمومی، مطلوب به نظر می‌رسد، اما در بلندمدت به توزیع عادلانه فضاهای شهری کمک چندانی نخواهد کرد. همچنین تنها تفاوت معنادار میان زنان خانه‌دار با مردان و دیگر گروه‌های زنان مورد مطالعه برای انتخاب عناصر پارک است. در نتیجه جنسیت در انتخاب عناصر پارک‌ها تأثیر چندانی نداشته است. |
| توسعه کالبدی پارک‌های بانوان براساس اولویت‌سنجی انگیزشی (پارک بانوان شهر سهند) | احمدی و فهام | ۱۳۹۶ | عامل اصلی در فراهم کردن انگیزه مراجعه برای افراد ورزش و استفاده از تجهیزات ورزشی و لاغری و رسیدن به تناسب‌اندام و بیکاری عامل مهم دیگر بانوان برای حضور در این پارک‌ها است و رهایی از تنهایی و گذران اوقات فراغت با اشخاص دیگر از جمله دوستان عوامل درونی مؤثر در مراجعه به پارک‌ها بوده است و توسعه کالبدی فضاهای اجتماعی و همچنین امکانات ورزشی می‌تواند در موفقیت پارک‌های بانوان نقش مؤثری ایفا کند. |

| عنوان تحقیق | محقق | سال | یافته‌ها |
|--|----------------------------------|------|--|
| فضای عمومی در مراکش؛ تاریخچه تفکیک جنسیتی فضای عمومی شهری ^۱ | فاطمیما اواریاچی ^۲ | ۲۰۱۸ | در مراکش، بسیاری از فضاهای تحت سلطه مردان هستند و این فرهنگ به‌ویژه در مورد فضاهای عمومی چون کافه‌ها وجود دارد. کافه‌ها در مراکش یک قلمرو کاملاً مردانه ایجاد کردند و در آن زنان اغلب پذیرفته نمی‌شوند و حتی تلاش یک زن برای ورود به این قلمرو می‌تواند به‌مثابه نوعی مبارزه فرهنگی قلمداد شود. این مقاله به بررسی بخش‌هایی از تاریخ تلاش زنان مراکشی برای بازپس‌گیری فضاهای عمومی اشاره دارد و با مفهوم‌سازی حرم به‌عنوان یک محدودیت تاریخی و فیزیکی برای دسترسی زنان به فضای عمومی به تحلیل پرداخته است. |
| جنسیت و تفکیک پارک‌های شهری مختص زنان در ایران ^۳ | رضا ارجمند | ۲۰۱۶ | این کتاب با بررسی وضعیت زنان در فضاهای عمومی و الگوهای تعامل با فضاهای تفکیک‌شده و مختلط براساس جنسیت به تحلیل پارک‌های بانوان می‌پردازد و با ترکیب رویکردهای پژوهشی از برنامه‌ریزی شهری و علوم اجتماعی، هر دو جنبه فنی و اجتماعی پارک‌های مختص زنان در ایران را تحلیل می‌کند. |

۳. تأملات نظری و مفهومی

نظریات متعددی در باب رابطه میان جنسیت و فضاهای عمومی وجود دارد؛ برای مثال نظریه فمینیستی فضا که توسط جین جیکوبز^۴ و دوروتی اسمیت^۵ مطرح شد و بر اهمیت حضور زنان در فضاهای عمومی و تأثیر طراحی شهری بر تجربه زنان در این فضاها تأکید داشت. نظریه‌های فمینیستی پسااستعماری توسط موهانتی^۶، و اسپیواک^۷ نیز به تحلیل روابط قدرت و نحوه تأثیر استعمار و نژادپرستی بر تجربه زنان در فضاهای عمومی توجه داشتند و بر این باور بودند که تجربیات زنان در فضاهای عمومی توسط نیروهای استعمارگر و نژادپرستانه شکل گرفته و باید به این مسائل توجه کرد. همچنین نظریه تولید فضا نیز که واضح آن لوفور^۸ بود، فضاهای شهری را نتیجه فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانست که به‌وسیله این فرایندها تولید می‌شوند.

۳-۱. نقش‌های جنسیتی

نقش‌های جنسیتی، محصول تعاملات بین افراد و محیط‌هایشان هستند و درک اصطلاح «نقش‌های جنسیتی» مستلزم درک مفهوم جنسیت^۹ به‌عنوان یک مفهوم اجتماعی و تمایزش با مفهوم جنس^{۱۰} است که به امری بیولوژیکی اشاره دارد. اوکلی^{۱۱} (۱۹۷۲) یکی از اولین نظریه‌پردازان اجتماعی بود که این تمایز را بیان کرد و به دوگانه جنسیت (زنانگی و مردانگی) و ارزش‌گذاری‌های اجتماعی مردانگی و زنانگی است (بلک استون، ۲۰۰۳). دسته‌ای از نظریات هم از سوی جغرافی‌دانان فمینیست ارائه شده که بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی روابط جنسیتی، نابرابری جنسیتی در فضاهای عمومی شهری و دسترسی برابر به این فضاها تمرکز داشتند. از نظر منتقدان، اصولاً برنامه‌ریزی و طراحی در شهرها، ماهیت مردم‌محور دارد و در بسیاری از موارد تمایل به حذف زنان از این فضاها را

¹. Public Space in Morocco; a History of Gender Segregation

². Fatima Ouaryachi

³. Public Urban Space, Gender and Segregation Women-only urban parks in Iran

⁴. Jane Jacobs

⁵. Dorothy Smith

⁶. Chandra Talpade Mohanty

⁷. Gayatri Chakravorty Spivak

⁸. Henri Lefebvre

⁹. Gender

¹⁰. Sex

¹¹. Oakley

نشان می‌دهد (جلال کمالی و دوراتلی^۱، ۲۰۲۲). ساسن (۱۹۹۶) بود که بیان می‌کرد برنامه‌ریزی و طراحی شهری و نتایج آن از لحاظ جنسیتی خنثی نیست. طراحی به‌لحاظ فضایی نابرابری را از سیستم‌ها تا فضاهای عمومی فردی تقویت می‌کند. نیازهای زن به‌خصوص در بحث امنیت با مردان متفاوت است (ساسن^۲، ۱۹۹۶: ۱۸۳). ارجمند (۲۰۱۶) تأکید می‌کند تفاوت وضعیت بین زنان و مردان در جامعه، در پیکربندی‌های فضایی شهری نیز اثر دارد و فضاهایی را ایجاد می‌کند که تسلط مردان را تقویت می‌کند؛ بنابراین زندگی زنان در فضاهای شهری، با مرزهای مرئی و نامرئی ایجادشده توسط ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد (ارجمند^۳، ۲۰۱۶). بیبیجان (۲۰۱۷) بیان می‌کند که زنانی که از دوگانگی فضایی عبور می‌کنند و وارد فضاهای عمومی می‌شوند باید با ترس درونی از خشونت مردانه مقابله کنند؛ چرا که زنان به‌دلیل تخطی از مرزها و پیکربندی‌های جنسیتی فضایی، ممکن است در فضاهای عمومی تحت سلطهٔ مردان، مورد آزار و اذیت کلامی و فیزیکی قرار گیرند (بیبیجان^۴، ۲۰۱۷: ۳۲۳).

۲-۳. جداسازی جنسیتی در فضای عمومی

تقسیم فضای مسکونی به اندرونی (داخلی) و بیرونی (بیرونی) در معماری سنتی ایرانیان از گذشته وجود داشته و نمونه‌ای از رعایت دقیق محدودهٔ تعیین‌شده برای زنان است. این جداسازی در فضاها براساس تقسیم‌بندی کلی نقش جنسیتی شکل گرفته است و محدود به ایران نیست. بادی^۵، در توصیف فضاها در روستایی در سودان، از تجربهٔ مشابه می‌گوید مبنی بر اینکه مردان با دنیای بیرون مرتبط بودند؛ درحالی‌که زنان منتسب به درون خانه بودند و حتی وابسته به آن قلمداد می‌شدند (بادی، ۱۹۸۹ به نقل از ترابی، ۲۰۱۹). تفکیک این دو جهان حول منطق خاصی متمرکز شده که نشان‌دهندهٔ چند نکته است: بدن زنان و نقش آن‌ها در امر فرزندآوری، منتسب به درون فهم شده و نیاز به محافظت از زنان را نشان می‌دهد. حال آنکه مردان اغلب به بیرون منتسب شده‌اند (هیل^۶، ۲۰۱۸ به نقل از ترابی، ۲۰۱۹). نمود این ایده در طراحی فضاهای شهری، نشان‌دهنده یکی از چالش‌های فضاهای عمومی شهری است و به طرد گروه‌های مختلف اجتماعی و کاهش تنوع فرهنگی اشاره دارد. این امر را می‌توان به طراحی و مدیریت نادرست فضاها نسبت داد به گونه‌ای که موجب می‌شود برخی گروه‌ها به حاشیه رانده شوند و تعاملات میان فرهنگی و اجتماعی محدود گردد. موضوع حذف و شمول فرهنگی در این فضاها، از نظر سنی و جنسیتی، اهمیت زیادی دارد. در این راستا و به منظور مدیریت مناسب این فضاها، باید به نیازهای تفریحی و اجتماعی تمامی گروه‌های هدف توجه شود تا تنوع و تعاملات فرهنگی افزایش یابد (انواری، ۱۴۰۰).

زنان، یکی از این گروه‌ها هستند که اغلب نیازهایشان در طراحی فضاهای عمومی نادیده گرفته می‌شود؛ نیازهایی که به بحث تحرک فضایی زنان و ترجیحات آنها در فضای عمومی، مانند مجاورت، دسترسی و ایمنی اشاره دارد. در کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس، برای اینکه زنان بتوانند راحت‌تر از فضاهای عمومی استفاده کنند و نیاز زنان به حریم خصوصی برآورده شود، فضاهای مخصوص زنان و خانواده به‌طور فزاینده‌ای در فضاهای تفریحی ایجاد شده است (گیل، ۲۰۱۶). در برخی موارد، کل ساختمان یا طبقه‌ای از آن برای فعالیت‌های تفریحی مختص زنان، مانند ورزش و خرید، اختصاص داده می‌شود. ورود مردان به این مکان‌ها که عمدتاً توسط زنان اداره می‌شود، ممنوع است؛ بنابراین جنسیت را می‌توان مبنایی برای جداسازی و نابرابری در محیط دانست.

¹. Jalalkamali & Doratli

². Sassen

³. Arjmand

⁴. Beebejaun

⁵. Boddy

⁶. Hill

۳-۳. زیرساخت اجتماعی

زیرساخت‌های شهری فقط شامل ساختارهایی نمی‌شود که امکان تحرک و جابه‌جایی کالا و خدمات و افراد را در سطح شهر فراهم می‌آورند (مانند جاده‌ها و سیستم تأمین آب و مسکن)، بلکه جدای از زیرساخت‌های اقتصادی و فیزیکی، نوع دیگری از زیرساخت‌های شهری هستند که به زیرساخت‌های اجتماعی معروف‌اند و منبعث از مفهوم سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی هستند (هاردویک^۱، ۲۰۰۸: ۵۹۹). زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی برای ساختن یک جامعه سالم ضروری هستند. با این حال باید توجه داشت که مفهوم زیرساخت اجتماعی که به ارائه خدمات نرم مانند بهداشت، آموزش، اشتغال، آموزش ایمنی عمومی و... کمک می‌کند، فراتر از یک طبقه‌بندی ساده زیرساخت فیزیکی یا زیرساخت‌های «سخت»^۲ است و شامل محیط اجتماعی، خدمات و برنامه‌هایی می‌شود که از انباشت و افزایش سرمایه انسانی حمایت می‌کند (ویلیلمز و پوکوک^۳، ۲۰۱۰: ۷۱). اقتصاددانان و سیاستمداران زیرساخت‌های اجتماعی را به مثابه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از طریق ارائه عناصر فیزیکی کمک‌کننده و تسهیلگر برای ارائه خدمات انسانی می‌دانند (ساکاس^۴، ۲۰۰۹). همچنین می‌توان آن را معادل عناصری در فضای شهری دانست که تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت زندگی اعضای جامعه هدف می‌گذارند و ارائه امکانات و دسترس‌پذیری آن‌ها را منعکس می‌کنند که از شکل‌گیری، توسعه و حفظ کیفیت زندگی حمایت می‌کند. در یک بافت برنامه‌ریزی شهری، عناصر زیرساخت اجتماعی را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد: اول، تأسیسات اجتماعی: به ساختمان‌هایی اشاره دارد که مجموعه‌ای از خدمات را در خود جای داده و به مردم ارائه می‌دهد مانند مراکز اجتماعی، مکان‌های مذهبی مانند مساجد، بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی؛ دوم، مکان‌هایی که خدمات اجتماعی را در قالب برنامه‌هایی به نفع جامعه ارائه می‌دهد، مانند مدارس و مهدکودک‌ها، خدمات کتابخانه، مراکز توسعه مهارت‌ها، مراکز تفریحی و ورزشی؛ سوم، زیرساخت‌های فیزیکی که شامل عناصر شهری است و سطح رفاه، سبک زندگی و لذت جامعه را ارتقا می‌دهد، مانند شبکه‌ها و امکانات پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، امکانات برای گروه‌هایی با نیازهای ویژه و امکانات خرید (اداره مدیریت شهری^۵، ۲۰۰۷).

۴. روش‌شناسی

رویکرد روش‌شناسی در این مقاله ترکیبی است و به‌زعم کاراسلی و گراهام (۱۹۸۹)، این مثلثی بودن روش تحقیق، به محقق کمک می‌کند تا از ابعاد مختلف با مسئله تحقیق مواجه شود. همچنین مکمل بودن روش‌های تحقیق، فهم کامل‌تری را برای محقق فراهم می‌سازد و با ایجاد تنوع در تحقیق، به نوآوری آن کمک می‌کند (دلاور و کوشکی، ۱۳۹۶). در فاز اول به‌منظور شناسایی نیازهای زنان از فضاهای عمومی شهری و شاخص‌های مهم و قابل توجه از رویکرد کیفی، مرور سیستماتیک و سپس فراترکیب یافته‌های تحقیقات استفاده شد. به این معنی که با کدگذاری پایه یافته‌های مقالات مورد تحلیل، مهم‌ترین مقوله‌ها و شاخص‌های آن‌ها که ناظر بر نیازهای زنان در فضاهای عمومی هستند، استخراج شد. در این فاز مطالعه، ابتدا به جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر مطالعات کیفی با موضوع زنان و فضاهای عمومی شهری پرداختیم و مقالات منتشرشده در بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۹۲-۱۴۰۲) که کلیدواژه‌های «زنان و فضای شهری»، «فضای شهری زنانه» و «فضای شهری جنسیتی» را در چکیده، عنوان یا کلیدواژه داشتند، از دو پایگاه پرتال جامع علوم انسانی و SID، استخراج کردیم. در مجموع ۱۷۶ مقاله استخراج و بررسی اولیه شدند که ۱۳۳ مقاله مبتنی بر رویکرد کمی بود.

¹. Hardwicke

². Hard' infrastructure

³. Williams & Pocock

⁴. SACOSS

⁵. OUM

۵۶ مقاله دیگر پس از حذف مقالات تکراری و تاریخی و غیرمرتبط به ۲۱ مقاله تقلیل یافت و سپس مورد تحلیل نهایی قرار گرفت (جدول‌های ۲ و ۳).

جدول ۲. فراوانی مقالات در فرایند تحلیل

| جمع کل | تعداد مقالات با روش کیفی | تعداد مقالات با روش کمی /مروری و غیرمرتبط | عنوان سایت / کلیدواژه‌ها | |
|--------|---|---|----------------------------|-------------------------|
| | | | پر تال جامع علوم انسانی | SID |
| ۳۰ | ۱۳ | ۳۰ | فضای شهری جنسیتی | پر تال جامع علوم انسانی |
| ۹ | ۵ | ۴ | فضای شهری زنانه | |
| ۵ | ۲ | ۳ | زنان و فضای شهری | |
| ۳۳ | ۱۲ | ۲۱ | فضای شهری جنسیتی | SID |
| ۸ | ۳ | ۵ | فضای شهری زنانه | |
| ۹۱ | ۲۱ | ۷۰ | زنان و فضای شهری | |
| ۱۷۶ | ۵۶ | ۱۳۳ | جمع کل مقالات در دو پایگاه | |
| ۲۱ | مقالات تحلیل شده پس از حذف مقالات مشابه کیفی در دو پایگاه | | | |

جدول ۳. اسامی مقالات منتخب و مورد تحلیل در فاز اول^۱

| سال | نویسندگان | نام مقاله | کد مقاله |
|------|---------------------|--|----------|
| ۱۴۰۱ | باعزم و همکاران | ادراک زنان پیرامون فضا شهر تهران | ۱ |
| ۱۴۰۱ | کریمی و همکاران | تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری | ۲ |
| ۱۳۹۹ | حسینی و خوش‌کلام | سنخ‌شناسی فضاهای ناامن شهری از نگاه زنان (مطالعه موردی زنان ۱۵-۴۵ ساله شهر جاسک) | ۳ |
| ۱۳۹۷ | رومینا و همکاران | بررسی رابطه فضا و عدالت جنسیتی (مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران) | ۴ |
| ۱۳۹۴ | فاضلی | زنانه‌شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان‌شهر تهران | ۵ |
| ۱۳۹۹ | کشاورز و همکاران | کتابخانه و فرصت حضور زنان در فضای عمومی؛ کتابخانه به‌مثابه مکان سوم | ۶ |
| ۱۳۹۶ | داداش‌پور و همکاران | شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر حضور عادلانه زنان در فضای عمومی شهری | ۷ |
| ۱۴۰۰ | ایمانی و نرسیانس | تفکیک جنسیتی فضای شهری و روابط صمیمانه بین جنسیتی: مطالعه مقایسه‌ای تفکیک منعطف و غیرمنعطف | ۸ |
| ۱۳۹۷ | بندراآباد | جنسیت و تفاوت در ادراک محیط شهری؛ انگاره‌ها و معیارها | ۹ |
| ۱۳۹۴ | فاضلی | زنانه‌شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان‌شهر تهران | ۱۰ |
| ۱۳۹۲ | رفیعیان و همکاران | ارزیابی رضایتمندی از کیفیت فضای شهری با توجه به متغیر جنسیت (نمونه موردی: باغ خانواده کرج) | ۱۱ |
| ۱۳۹۸ | فکوهی و همکاران | جایگاه فضاهای اوقات فراغتی تفکیک‌شده جنسیتی در برساخت هویت دختران (مطالعه بوستان نرگس قم) | ۱۲ |
| ۱۴۰۱ | باعزم و همکاران | طرز زنان در فضای شهری | ۱۳ |
| ۱۳۹۸ | بیدار و همکاران | معنای بازار تهران در تجربه زنانه | ۱۴ |
| ۱۳۹۶ | حاجی احمدی | معیارهای مؤثر بر شکل‌گیری تصویر ذهنی زنان از فضای شهری مطلوب (مطالعه موردی: شهر تهران) | ۱۵ |

^۱. فهرست کامل منابع مرور شده در فاز اول تحقیق (جدول ۳) در دفتر نشریه موجود است، اما به علت محدودیت حجم در منابع این مقاله نیامده است.

| سال | نویسندگان | نام مقاله | کد مقاله |
|------|---------------------|--|----------|
| | همدانی | | |
| ۱۳۹۹ | احمدی باروق و همکار | طراحی فضای شهری به منظور ارتقای امنیت و کاهش بزه و افزایش حضور و مشارکت زنان در بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: محله حسینیّه زنجان) | ۱۶ |
| ۱۳۹۸ | معاونی و همکار | تأثیر امنیت و فضای جنسیتی بر افزایش حضور بانوان در فضای شهری (نمونه موردی: پارک بانوان شیراز) | ۱۷ |
| ۱۳۹۶ | محمدی | بازشناسی تقابل‌های دوگانه فضای شهری جنسیتی، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی، تحلیلی بر فضای عمومی در محلات سنتی | ۱۸ |
| ۱۳۹۸ | یاران و همکاران | تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز گردشگری شهری (نمونه موردی: خیابان سی تیر تهران) | ۱۹ |
| ۱۳۹۷ | عامری | امنیت و مشارکت اجتماعی زنان در مواجهه با ناهنجاری‌های محله‌ای (مطالعه وضعیت زندگی ساکنان برج‌های نواب و اطراف) | ۲۰ |
| ۱۴۰۱ | حسینی | پدیدارشناسی شرم بدنی در تجربه زنانه از فضاهای جمعی (زنان شهر سنندج) | ۲۱ |

سپس به منظور استخراج یافته‌ها از منابع جمع‌آوری شده، متن یافته‌های تمامی مقالات منتخب، با بهره‌گیری از روش کدگذاری پایه در رویکرد کیفی تحقیق مقوله‌بندی شد. کدها در رویکرد کیفی تحقیق، اغلب یک کلمه یا عبارت کوتاه هستند که به‌طور نمادین، یک ویژگی برجسته، ذاتی یا تداعی‌کننده بخشی از داده‌ها را نشان می‌دهند. بخشی از داده‌ها که طی فرایندهایی کدگذاری می‌شوند، می‌توانند از یک کلمه تا یک جمله کامل یا حتی یک صفحه کامل متن باشند (سالدانا، ۲۰۱۳).

در فاز دوم مطالعه، پس از استخراج مهم‌ترین نیازهای زنان از خلال مقالات مرور شده، پرسشنامه‌ای برگرفته از برخی شاخص‌های فاز اول، طراحی شد و به دو گروه از زنان (۳۰ نفر) که به فضاهای عمومی شهری مشترک و فضاهای عمومی شهری زنانه مراجعه داشتند، ارائه شد. هدف شناسایی اولویت‌ها و رتبه‌بندی شاخص‌های مهم در فضاهای عمومی شهری و سپس مقایسه دو فضای عمومی شهری با کارکرد مشابه اما یکی به‌صورت مشترک برای همه شهروندان و دیگری طراحی شده به‌صورت اختصاصی برای زنان بود. به این منظور از روش کمی تحلیل سلسله‌مراتبی AHP استفاده شد؛ بنابراین شاخص‌های استخراج شده در قالب پرسشنامه‌ای به جهت اولویت‌بندی نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری در دو فضای عمومی شهری (یک فرهنگسرا به‌عنوان فضای عمومی فاقد کارکرد جنسیتی و یک فضای عمومی شهری زنان، یکی از شعب شهربانوه‌ای تحت مدیریت شهرداری به‌عنوان یک فضای عمومی شهری زنانه)، تکمیل شد. هردو فضای عمومی انتخاب شده واقع در یک منطقه از تهران بودند و از منظر بافت فرهنگی و اجتماعی تلاش شد تا حد امکان در ویژگی‌های زمینه‌ای مانند کارکردها و خدماتی که ارائه می‌دهند یکسان باشند. در مجموع با ۳۰ نفر از مراجعان به فرهنگسرا و شهربانو، پرسشنامه تکمیل شد.

۵. یافته‌های تحقیق

پس از مرور مقالات منتخب، در این بخش با کدگذاری پایه، مفاهیم و مقوله‌های فرعی و اصلی با محوریت مسئله‌شناسی مقالات مورد تحلیل، مهم‌ترین مسائل مورد بحث در مقالات ارائه شد. همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، مهم‌ترین مسئله مورد بحث در مقالات مورد بررسی با کلیدواژه‌های سه‌گانه «زنان و فضای شهری»، «فضای شهری زنانه» و «فضای شهری جنسیتی» براساس فراوانی مقالات به چالش‌های زنان در فضای شهری اشاره دارد.

جدول ۴. مقالات براساس مسئله مورد بحث

| مسئله محوری در مقاله | فراوانی | کد مقاله |
|-------------------------------------|---------|---|
| چالش‌های زنان در فضای شهری | ۹ | ۰۲۱، ۰۲۰، ۰۱۸، ۰۱۷، ۰۱۶، ۰۹، ۰۳، ۰۲، ۰۱ |
| جنسیت در فضای شهری | ۷ | ۰۱۹، ۰۱۵، ۰۱۳، ۰۱۲، ۰۱۰، ۰۸، ۰۴ |
| طرد / یا مشارکت زنان در فضاهای شهری | ۵ | ۰۱۴، ۰۱۱، ۰۷، ۰۶، ۰۵ |

در مجموع می‌توان از سه مقوله اصلی که در واقع ابعاد مسئله زنان و فضاهای شهری را نشان می‌دهد، سخن گفت. ابعاد اجتماعی، کالبدی و روان‌شناختی که مقوله‌های فرعی آن‌ها در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. مهم‌ترین چالش‌های زنان در فضاهای عمومی شهری مستخرج از مقالات مورد تحلیل

| مقوله‌های اصلی | مقوله‌های فرعی | مفاهیم | کد مقالات |
|--------------------|---|---|---------------------------|
| بعد اجتماعی | ناامنی زنان | کمبود امنیت در فضای شهر، احساس نگرانی از حضور در شهر، فضای خلوت، فضای جرم‌خیز، فضای بزهکارانه، فضای بیگانه اجتماعی، فضای مردانه، فضای غالباً موتورسوار، ادراک ناامنی از سوی زنان، عدم حضور ناشی از ناامنی | ۰۳، ۰۲، ۰۱ ۰۱۳ |
| | نبود قوانین مناسب | نبود حمایت‌گری قانونی، فقدان حمایت در مقابل آسیب‌های اجتماعی، نبود سازوکار حمایتی در فضای اشتغال | ۰۱ |
| | نابرابری جنسیتی نهادینه شده | محرومیت زنان از حقوقشان، طرد زنان از جامعه، ضعف اعتمادبه‌نفس و عدم حمایت خانواده، عامل ایدئولوژی و فرهنگ مبتنی بر و مؤثر بر فضاهای جنسیتی، نهادینه شدن بی‌پناهی اجتماعی زنان ناشی از ساختار مردسالارانه | ۰۷، ۰۴، ۰۱ ۰۱۳ |
| بعد کالبدی / فضایی | نیازهای زنانه مغفول مانده در طراحی شهری | نادیده گرفتن حضور زنان در فضاهای شهری و غفلت از فضای شهری معطوف به نیازهای زنان، فضاهای شهری غیرپاسخ‌دهنده، نامن، غیرپذیرنده، نامطلوب، مردانه و ناخوشایند | ۰۱۰، ۰۶، ۰۲ ۰۱۸، ۰۱۲ |
| | زیرساخت‌های فیزیکی ناکارآمد | کمبود کارآمدی در امکانات و تجهیزات شهری، عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت، هزینه‌بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری، آلودگی‌های فضای شهری | ۰۲، ۰۱ |
| | زیرساخت‌های شهری جرم‌زا | فضای تودرتو، فضای تاریک، فضای کاربری مردانه، فضای تک‌کاربری، فضای حاشیه شهر، فضای غالباً مسکونی، فضای فاقد دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، فضای بیگانه کالبدی، فضای فرسوده و فضای آلوده | ۰۳ |
| بعد روان‌شناختی | تفاوت‌های جنسیتی در ادراک از فضا | اثر تفاوت‌های جنسیتی در ادراک از محیط و ارزیابی کیفیت محیطی، جهت‌یابی در محیط شهر، نوع خوانایی محیط، مهارت نقشه‌خوانی و درنهایت روش‌های مسیریابی و راهیابی | ۰۱۱، ۰۹ |
| | طراحی شهری و بازتعریف هویتی | سودمندی‌های فضای شهری برای زنان به‌واسطه بودن در میان مردم، لذت‌بردن از کیفیت‌های کالبدی و پیوند با هویت تاریخی شهر، دارای وجهه اجتماعی-فرهنگی، هویت تاریخی، زیبایی، شیک‌بودن فضاها | ۰۱۵، ۰۱۴ ۰۱۹، ۰۱۷، ۰۱۶ |
| | طراحی شهری و ترغیب حس زندگی | آرام و دنج، دارای حریم در عین وسعت، سرسبزی، روحیه شاد و سلامت، امنیت کلی، آسایش و آرامش، اصلاح زیرساخت‌ها، اصلاح کاربری، توجه به نظام حرکتی، سرزندگی | ۰۱۶، ۰۱۵ ۰۱۹، ۰۱۷ |
| | ناامیدی زنان از برنامه‌ریزی شهری | عدم برنامه‌ریزی مناسب فضاهای شهری و تداوم آن، طرد اجتماعی خودخواسته | ۰۲۱، ۰۲۰ |

پس از مرور سیستماتیک ۲۱ مقاله کیفی در فاز اول و کدگذاری یافته‌های آن‌ها، در آخر سه دسته شاخص‌های اجتماعی، کالبدی و روان‌شناختی استخراج شدند که برای تکمیل آن‌ها، بعد چهارم یعنی بعد اقتصادی نیز به معیارها اضافه شد. شایان ذکر است زنان

مراجعه کننده به فضاهای عمومی، فقط بخشی از شاخص های مستخرج از مقالات را در قالب پرسشنامه ای مختصر تکمیل کردند. علت این امر، تأکید مسئله مقاله حاضر بر جداسازی جنسیتی در فضاهای عمومی شهری بود (جدول ۷). منطق افزودن شاخص های اقتصادی علی رغم نبود آن ها در خروجی های تحقیقات پیشین، به بحث هزینه های خدمات، تنوع و کیفیت خدمات ارائه شده در فضاهای عمومی منتخب بازمی گردد.

جدول ۶. توصیف زنان پاسخگو از منظر سن، وضعیت تأهل، درآمد و سطح تحصیلات

| درصد فراوانی | | طبقات متغیرها | متغیرها |
|--------------|-----------------|---------------|-------------|
| شهربانو | فرهنگسرای عمومی | | |
| صفر | ۱۰ | دهه ۴۰ | سن |
| ۳۳ | ۳۰ | دهه ۵۰ | |
| ۲۸ | ۲۰ | دهه ۶۰ | |
| ۳۹ | ۱۰ | دهه ۷۰ | |
| صفر | ۳۰ | دهه ۸۰ | |
| شهربانو | فرهنگسرای عمومی | طبقات متغیرها | سطح تحصیلات |
| ۴۵ | ۲۲ | دیپلم | |
| ۵۵ | ۲۸ | کارشناسی | |
| صفر | ۵۰ | کارشناسی ارشد | |
| شهربانو | فرهنگسرای عمومی | طبقات متغیرها | وضعیت تأهل |
| ۲۰ | ۲۰ | مجرد | |
| ۸۰ | ۸۰ | متاهل | |

از منظر شغلی، ۳۵ درصد از پاسخگویان شاغل در بخش خصوصی و ۴۰ درصد از آن ها خانه دار بودند. افراد پاسخگو به عنوان طراح لباس (مزون دار)، مربی، آرایشگر، معلم، ادمین فضای مجازی، خیاطی، مربی، کارمند و بهیار مشغول به کار بودند. با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی AHP می توان مشاهده کرد که سه اولویت مهم در میان شاخص های ارائه شده به زنان پاسخگو در هر دو فضا که نشان دهنده مهم ترین نیازهای زنان در فضاهای عمومی است به سه شاخص امنیت و آرامش زنان در مجموعه (رتبه ۱)، هزینه خدمات (رتبه ۲) و روشنایی و نحوه مواجهه و رفتار کارکنان در مجموعه (رتبه ۳) مربوط است و سه شاخص که کمترین اهمیت را برای زنان پاسخگو داشته، نبود احساس معذب بودن به واسطه حضور مردان (رتبه ۱۲)، وجود فضای خاص برای زنان بدون حضور مردان (رتبه ۱۱)، وجود فضایی برای تعامل با دوستان و وجود فضایی برای نگهداری از فرزندان (رتبه ۱۰) است.

جدول ۷. وزن دهی به شاخص ها و اولویت بندی آن ها از منظر زنان پاسخگو

| ابعاد | شاخص ها | وزن شاخص | رتبه اهمیت شاخص |
|------------------------|--|----------|-----------------|
| اجتماعی (وزن ۰/۲۶۷) | نحوه مواجهه و برخورد متصدیان در مجموعه | ۰/۴۲۹ | ۳ |
| | ارائه خدمات آموزشی | ۰/۲۱۴ | ۷ |
| | ارائه دوره های مهارت زندگی | ۰/۰۷۱ | ۱۰ |
| | ارائه دوره های هنری | ۰/۱۴۳ | ۸ |

| ابعاد | شاخص‌ها | وزن شاخص | رتبه اهمیت شاخص |
|-----------------------------|--|----------|-----------------|
| روان‌شناختی (وزن ۰/۱۳۳) | وجود فضایی برای تعامل با دوستان | ۰/۰۷۱ | ۱۰ |
| | وجود فضایی برای نگهداری از فرزندان | ۰/۰۷۱ | ۱۰ |
| | امنیت و آرامش | ۰/۶۸۶ | ۱ |
| | وجود فضای خاص زنان | ۰/۲۲۹ | ۵ |
| | وجود فضای خاص برای زنان بدون حضور مردان | ۰/۰۵۷ | ۱۱ |
| فضایی/کالبدی (وزن ۰/۴۰۰) | عدم وجود احساس معذب‌بودن به واسطه حضور مردان | ۰/۰۲۹ | ۱۲ |
| | روشنایی | ۰/۴۲۹ | ۳ |
| | اندازه و وسعت محیط | ۰/۱۴۳ | ۸ |
| | نظافت و پاکیزگی | ۰/۲۸۶ | ۴ |
| اقتصادی (وزن ۰/۲۰۰) | وجود فضای سبز | ۰/۱۴۳ | ۸ |
| | انواع متعدد خدمات | ۰/۱۱۱ | ۹ |
| | کیفیت خدمات | ۰/۲۲۲ | ۶ |
| | هزینه خدمات | ۰/۶۶۷ | ۲ |

همچنین در میان ابعاد، بعد فضایی/کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و در آخر بعد روان‌شناختی از منظر زنان پاسخگو اولویت دارند و وزن بیشتری را به ترتیب به خود اختصاص می‌دهند (جدول ۷). در مرحله بعدی اولویت‌بندی و کاربرد نرم‌افزار Express Choice و تحلیل AHP، به مجموعه شاخص‌های هر بعد ضرایب وزنی داده می‌شود که از پاسخ‌های پاسخگویان به دست می‌آید و به محقق کمک می‌کند که نشان دهد کدام بعد و کدام شاخص در اولویت بوده است. در بعد اجتماعی در مورد نحوه مواجهه و رفتار متصدیان در دو مرکز، کیفیت و نوع خدمات آموزشی، دوره‌های مهارت‌های زندگی و دوره‌های هنری و همچنین کیفیت محیط در راستای ایجاد تعاملات سازنده و فضای نگهداری کودکان مقایسه شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد از منظر پاسخگویان، شهربانو خدمات و دوره‌های مهارت زندگی و دوره‌های هنری را با کیفیت بهتری ارائه می‌دهد و همچنین فضایی برای نگهداری کودک دارد که از نظر زنان پاسخگو ضروری است. اما در بسترسازی تعاملات اجتماعی و ایجاد فضایی برای تعاملات اجتماعی تفاوتی میان این مرکز با فرهنگسرا نیست. از منظر کالبدی نیز شهربانو فضای سبز کمتری را نسبت به فرهنگسرا در اختیار دارد و از منظر روشنایی و وسعت نیز مانند فرهنگسرا است. از منظر اقتصادی، اگرچه خدمات با تنوع بیشتری در شهربانو ارائه می‌شود، پاسخگویان آن را اقتصادی نمی‌دانند و خدمات ارائه‌شده در فرهنگسرا را مقرون‌به‌صرفه‌تر می‌دانند. تنها بعدی از مقایسه میان این دو مرکز که شهربانو نسبت به فرهنگسرا امتیاز بهتری را کسب کرده، بعد روان‌شناختی است؛ هرچند که از نظر اهمیت و براساس وزن‌دهی به ابعاد، در آخرین جایگاه اهمیت از نظر زنان پاسخگو قرار دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در برنامه‌ریزی شهری، تناسب میان طراحی و برنامه‌ریزی شهری و فضاهای عمومی با نیازهای گروه‌های مختلف کاربر است. این مقاله به دنبال پاسخ به دو سؤال مشخص بود: آیا فضاهای شهری عمومی در انطباق با نیازهای زنان است؟ آیا تفکیک و جداسازی جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، ناظر بر اولویت‌بندی نیازهای زنان است؟

یافته‌های این مقاله نشان داد مهم‌ترین نیازهای زنان در فضاهای عمومی، امنیت و آرامش هزینه خدمات و روشنایی فضای عمومی است. اگر جداسازی جنسیتی را به معنای تفکیک فعالیت‌ها و فضاها برای مردان و زنان با هدف حفظ امنیت و آرامش زنان و احترام به هنجارهای فرهنگی و مذهبی بدانیم، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد نیازهایی مانند رفع احساس معذب‌بودن به‌واسطه حضور مردان که منطبق پشتیبان جداسازی جنسیتی در فضاهای عمومی است، از سوی زنان در رتبه‌های ۱۱ و ۱۲ قرار گرفته است. این دو شاخص نشان می‌دهند برای بسیاری از زنان، حضور یا عدم حضور مردان در فضای عمومی اهمیت کمتری دارد؛ به شرطی که امنیت و آرامش فراهم باشد. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که جداسازی جنسیتی به‌خودی‌خود هدف نیست، بلکه امنیت و آرامش و تأمین آن در فضاهای عمومی باید در اولویت‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری باشد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد جداسازی جنسیتی در فضای عمومی شهری به‌ویژه با اختصاص فضاهای تفکیک‌شده جنستی مانند شهربانو، اگرچه با دلایلی مانند افزایش امنیت، احترام به ملاحظات فرهنگی و مذهبی و تسهیل دسترسی و راحتی زنان انجام می‌شود، درمورد فضاهای عمومی فرهنگی اجتماعی نتوانسته نیازهای زنان را شناسایی کند و به آن‌ها پاسخ دهد. همچنین یافته‌های مقاله مؤید آن است که برخی از شاخص‌ها که پشتیبان ایده‌هایی مانند طراحی فضاهای عمومی جنسیتی مختص به زنان است، پشتوانه تجربی و مستند ندارد و میزان و اندازه سرمایه‌گذاری در این فضاهای جنسیتی و تخصیص آن‌ها فقط به زنان منطقی نیست؛ آن هم در زمانی که هنوز نیازهای عمومی‌تر برای دو جنس در طراحی فضاهای عمومی شهری دیده نشده است، مانند متناسب‌سازی فضایی معابر و ساختمان‌ها برای گروه‌های دارای محدودیت‌های حرکتی و جسمی که می‌تواند نشانی از فهم نادرست نیازهای مردم در یک شهر باشد و برنامه‌ریزی‌های شهری را به مذاقه بکشاند.

نکته دیگر، توجه به این مهم است که فضاهای عمومی مورد بررسی در این مقاله یعنی فرهنگسرا و یک مجموعه شهربانو، فقط با ارائه خدمات شناخته نمی‌شوند، بلکه زنان کاربر از این فضاها، به‌جز دریافت خدمات، از منظر روان‌شناختی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرند و دیگر نمی‌توان فقط از این فضاها به‌مثابه یک زیرساخت فیزیکی یا زیرساخت سخت نام برد. زیرساخت اجتماعی و فضای عمومی، مفهیمی متمایز در علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری هستند، اما به هم مرتبطاند و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی و شهری در فضاهای عمومی، با توجه به نیازهای گروه‌های مختلف، به سرمایه‌گذاری مجدد انسانی که سود اجتماعی^۱ با بازده طولانی‌مدت به‌دنبال دارد، می‌پردازند. زیرساخت‌های اجتماعی می‌تواند برای زنان، فرصت‌هایی در جهت توسعه تعاملات اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی برای آن‌ها، به‌ویژه مادران و سالمندان فراهم آورد و نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی آن‌ها داشته باشد. درواقع فراهم‌کردن فضاهای عمومی متناسب و غنابخشیدن به زیرساخت‌های اجتماعی تسهیل‌گر در این فضاها می‌تواند به ترویج برابری جنسیتی کمک کند و نشان‌دهنده توجه به نیازهای متنوع و برابری فرصت‌ها برای همه گروه‌ها باشد؛ بنابراین زیرساخت‌های اجتماعی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نیازهای مختلف گروه‌های اجتماعی را برآورده کند. فضاهای عمومی با زیرساخت‌های اجتماعی مناسب می‌توانند محیطی امن‌تر و دسترس‌پذیرتری را برای زنان فراهم کنند. طراحی مناسب این فضاها، نورپردازی کافی، وجود نگهبانان و سایر تدابیر امنیتی می‌تواند به افزایش احساس امنیت زنان کمک کند. همچنین مشارکت‌دادن زنان یا هر گروه دیگری در طراحی فضاهای عمومی و توجه به نیازهای آن‌ها می‌تواند نه‌فقط هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه در زیرساخت‌های فیزیکی را ارتقا بخشد، بلکه سرمایه‌گذاری انسانی و اجتماعی را از منظر اجتماعی پرمفعت و عقلانی کند. درمجموع باید خاطرنشان کرد که جداسازی جنسیتی در فضاهای عمومی شهری موضوعی ساده نیست و باید به‌دقت پیامدهای آن بر برابری

^۱. Social Interest

جنسیتی و مشارکت زنان در جامعه ارزیابی شود. راهکارهای جایگزینی مانند طراحی شهری فراگیر و ایجاد فضاهای امن برای همه جنسیت‌ها می‌تواند به کاهش نیاز به جداسازی جنسیتی و ارتقای عدالت جنسیتی کمک کند. یافته‌های پژوهش حاکی از عدم تناسب میان اولویت‌های زنان در احداث فضای شهری عمومی بود. در این راستا برنامه‌ریزان شهری لازم است با برگزاری جلسات مشارکتی و گردهمایی‌های عمومی برای زنان و با حضور آن‌ها، نکات و نیازهای آن‌ها را بشنوند و سپس در طراحی‌های شهری لحاظ کنند.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدی، حامی، و فهام، الهام (۱۳۹۶). توسعه کالبدی پارک‌های بانوان براساس اولویت‌سنجی انگیزشی (پارک بانوان شهر سهند). *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴(۴)، ۵۶-۶۵.
- انواری، زهره (۱۴۰۰). فضای سبز شهری در شهر پایدار (مورد مطالعه: پارک فدک تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۱)، ۳۱۳-۳۴۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.311701.1139>
- جامی اودولو، مریم، یزدانی، محمدحسن، و اصغری زمانی، اکبر (۱۴۰۲). تحلیل نقش حق زنان به شهر بر مبنای جدایی‌گزینی جنسیتی (مورد مطالعه: پارک بانوان شهر اردبیل). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۶(۱)، ۲۶۰-۲۸۸. <https://doi.org/10.22034/gahr.2023.377150.1778>
- سلیمانی، علیرضا، آفتاب، احمد، و رضازاده، نرمین (۱۳۹۸). طراحی فضاهای شهری با ارزیابی نگرش جنسیتی (مطالعه موردی: پارک بانوان نرگس ارومیه). *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۹(۳۴)، ۱۵۷-۱۷۷.
- قادری، صلاح‌الدین، ایمانی جاجرمی، حسین، گلچین، مسعود، و بیات، مجتبی (۱۴۰۰). تأملی بر صور سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری مورد مطالعه: مدیریت شهری تهران (۱۳۶۸-۱۳۹۸). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۳(۲)، ۳۷۱-۳۹۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.334135.668690>
- معاونی، الهام، رحمانی، هیوا (۱۳۹۸). تاثیر امنیت و فضای جنسیتی بر افزایش حضور بانوان در فضای شهری (نمونه موردی: پارک بانوان شیراز). *نشریه معماری شناسی*، ۲(۹)، ۱-۱۰.
- Ahmadi, H., & Faham, E. (2018). Physical development of lady's park based on women's motivation (Case study: Sahand ladies park). *Physical Social Planning*, 4(4), 56-65. (In Persian)
- Anvari, Z. (2021). Urban green area and sustainable city (Case study: Fadak Park, Tehran). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10(1), 313-344. doi: 10.22059/jisr.2020.311701.1139. (In Persian)
- Arjmand, R. (2016). *Public urban space, gender and segregation: Women-only urban parks in Iran*. Routledge.
- Beebeejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Blackstone, A. (2003). *Gender Roles and Society*. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/publication/304125569>
- Ghaderi, S., Imani jajarmi, H., Golchin, M., & Bayat, M. (2022). A Reflection on Cultural-Political Forms in Urban Management Case Study: Tehran Urban Management (1989-2017). *Community Development (Rural and Urban)*, 13(2), 371-396. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.334135.668690> (In Persian)
- Hardwicke, L. (2008). Transition to smart, sustainable infrastructure. *Transitions: Pathway towards Sustainable Urban Development in Australia*, 599-608.
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities* (New York: Random). *Versión castellana (1967) Muerte y vida de las grandes ciudades. Madrid: Península.*
- Jalalkamali, A., & Doratli, N. (2022). Public space behaviors and intentions: the role of gender through the window of culture, case of Kerman. *Behavioral Sciences*, 12(10), 388. <https://doi.org/10.3390/bs12100388>

- Jami Odluo, M., Yazdani, M., & Asgharizamani, A. (2023). Analysis of the role of women's right to the city based on gender segregation (Study case: Ardabil women's park). *Geography and Human Relationships*, 6(1), 260-288. <https://doi.org/10.22034/gahr.2023.377150.1778> (In Persian)
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of space* (Oxford, OX, UK; Cambridge, Mass., USA: Blackwell.
- Lindemann, H. (2004). What is Feminist Ethics? *The Ethical Life: Fundamental Readings in Ethics and Moral Problems ed. by Russ Shafer Landau (USA: Oxford University Press, 2010)*, 128-139.
- Massey, D. (2004). Politics and space/time. *Urban culture: critical concepts in literary and cultural studies*, 1, 123-44.
- Moaveni, E., & Rahmani, H. (2018). The effect of security and gender space on increasing the presence of women in the urban space (Case study: Women's Park in Shiraz). *Architecture*, 9, 49-58. (In Persian)
- Ouaryachi, F. (2018). Public Space in Morocco; a History of Gender Segregation. *Władza sądzona*, (14), 93-100.
- OUM (Office of Urban Management) (2007). *South East Queensland Regional Plan 2005*.
- SACOSS (South Australian Council for Social Service) (2009). *Social Infrastructure: shift the focus to human capital*. Unley.
- Saldana, J. (2013). *The coding manual for qualitative researchers*. Sage Publication. First edition published 2009. This second edition published 2013. Retrieved from: <https://emotrab.ufba.br/wp-content/uploads/2020/09/Saldana-2013-TheCodingManualforQualitativeResearchers.pdf>
- Sassen, S. (1996). Analytic borderlands: race, gender and representation in the new city. In *Representing the City* (pp. 183, 202). Palgrave, London.
- Soleimani, A., Aftab, A., & Rezazadeh, N. (2019). Design of urban spaces with Evaluation of the gender perspective (Case Study: Urmia narges women's park). *Geography (Regional Planning)*, 9(34), 157-177. (In Persian)
- Torabi, S. (2019). Women Creating New Spaces: Reconfiguring Gender Segregation in Iran by Samira Torabi. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts Department of Anthropology University of Alberta. Retrieved from: https://era.library.ualberta.ca/items/dbe92d4c.2357.409e.9e2a.e0a5577ec752/view/89ff0ec0.db1f.4217.a1e9.8945553e2781/Torabi_Samira_201909_MA.pdf
- Tuncer, S. (2014). *Going public: women's experience of everyday urban public space in Ankara across generations between the 1950s and the 1980s* [PhD, Doctoral Program]. Middle East Technical University. pp: 3, 6.
- Van Geel, A. (2016). Separate or together? Women-only public spaces and participation of Saudi women in the public domain in Saudi Arabia. *Contemporary Islam*, 10, 357-378. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11562-015-0350-2>
- Williams, P., & Pocock, B. (2010). Building 'community' for different stages of life: physical and social infrastructure in master planned communities. *Community, Work & Family*, 13(1), 71-87. <https://doi.org/10.1080/13668800902903300>